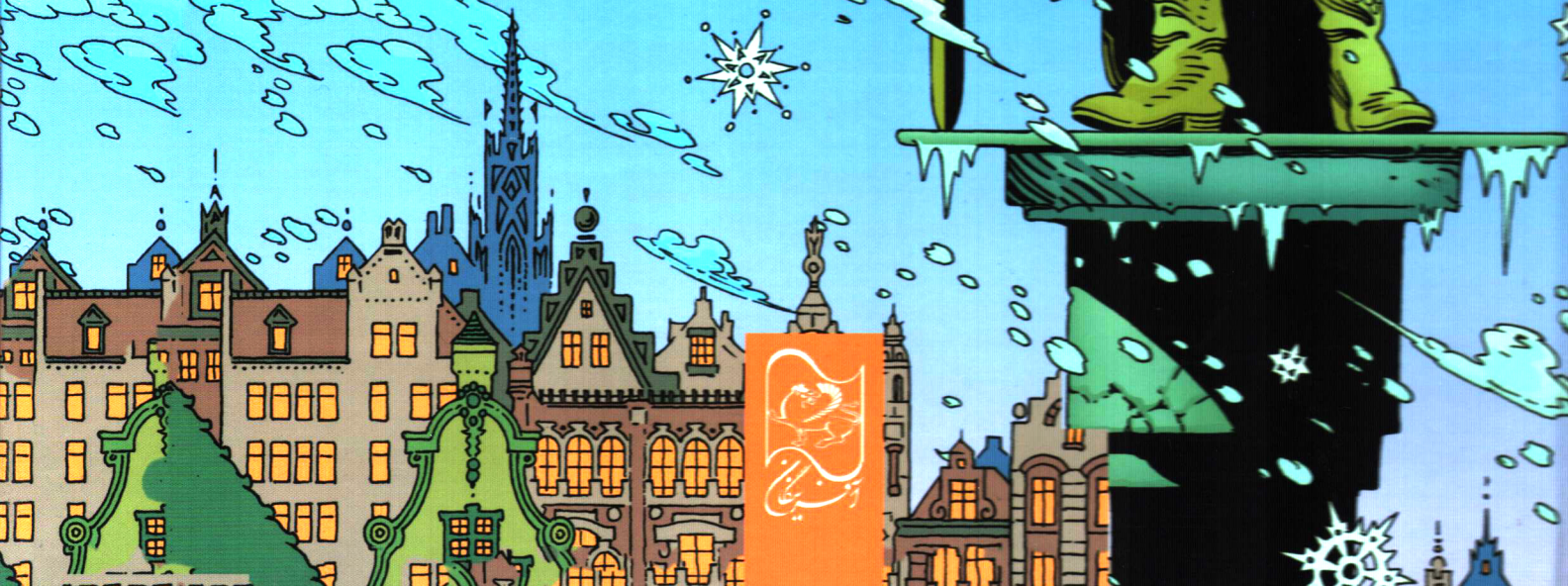
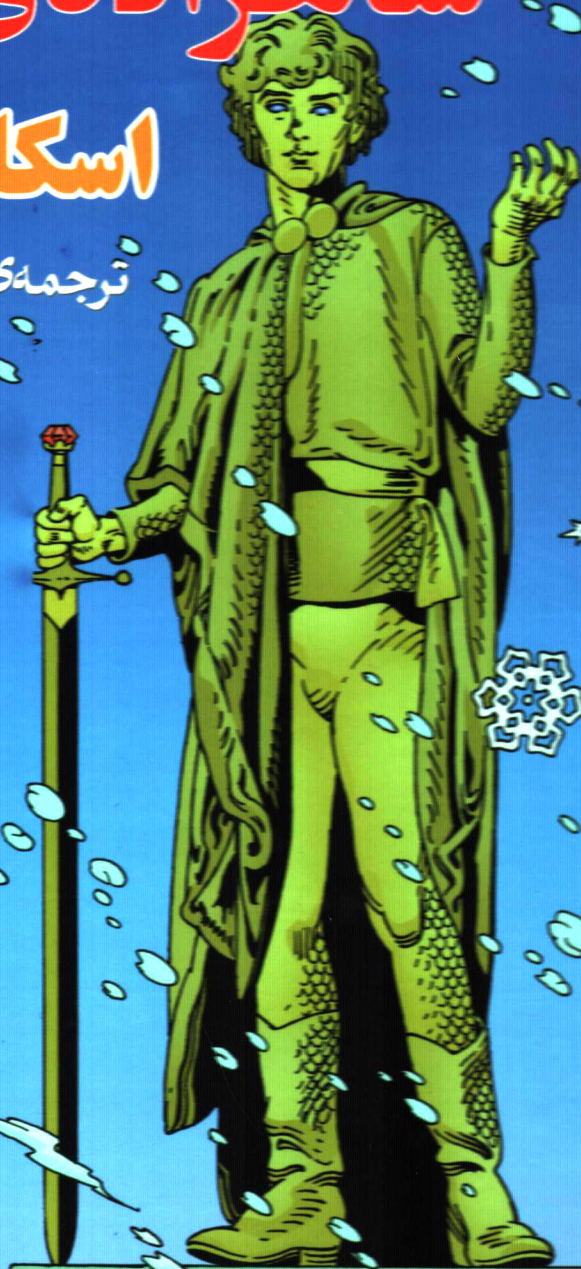




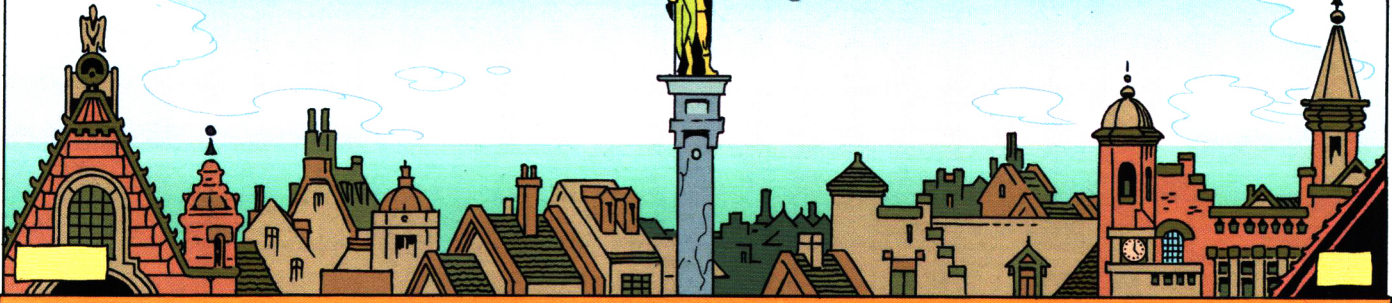
شاهزاده‌ی خوشبخت

اسکار و ایلد

ترجمه‌ی رضا مرتضوی



شاهزاده‌ی خوشبخت



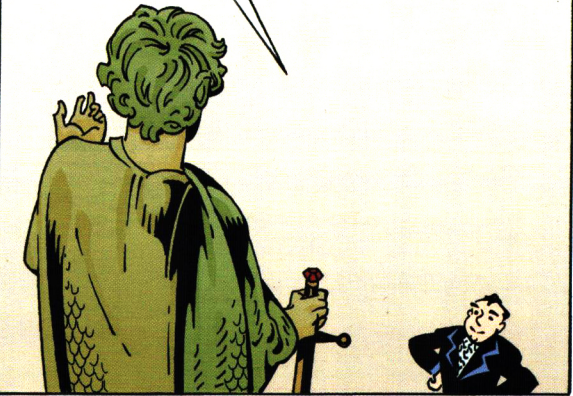
بدنش را با لایه‌ای از طلای ناب پوشانده بودند. پیشم‌هایی از یاقوت کبود داشت و بر دسته‌ی شمشیرش یاقوت سرخ بزرگی می‌درفشید.



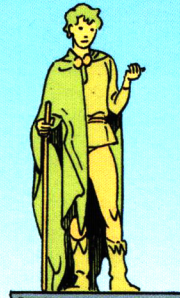
مردم او را از صمیم قلب دوست داشتند.

مثل بادنما زیباست...

یکی از اعضای شورای شهر که می‌خواست به هنردوستی مشهور شود گفت:



مجسمه‌ی شاهزاده‌ی خوشبخت روی ستونی بلند که بر شهر امطره داشت قرار گرفته بود.



و در ادامه، از ترس این‌که می‌ادا مردم او را فیالبناف و یاوه‌گو بدانند اضافه کرد:

... فقط این‌که به اندازه‌ی بادنماها کاربرد ندارد...

